



ارسال خلعت بری

وکیل دادگستری

دادگستری

اصلاحات قانون - اصلاحات معنوی

از چندین ماه قبل که آقای وزیر دادگستری برای تهیه قوانین جدید هیأت‌هایی دعوت و راجع با اصلاحات مورد نظر در دادگستری مطالبی در مطبوعات برای اطلاع عامه اظهار نموده مقالاتی در مطبوعات کشور در موضوع دادگستری منتشر شده و نویسندگان از جهات و دیدهای مختلف درباره دادگستری و اصلاحات مربوط بآن نظرهایی ابراز نموده‌اند.

این بحث‌ها و انتقادات مفید است زیرا آنچه صحیح و بجاست مورد توجه واقع می‌شود و آنچه ناصحیح است روشن می‌شود؛ چه نویسندگانی هم هستند که انتقادات بیمورد را جواب دهند تا مردم در مورد دادگستری روشن باشند و تبلیغات ناصحیح در اذهان اثر نامطلوب نتواند بگذارد.

انتقاداتی که از دادگستری شده و می‌شود تقریباً در اطراف چند مسأله دور

میزند:

۱- کندی جریان دادرسی.

۲- اعمال نفوذ.

در اطراف این دو مسأله در طول سالها آنچنان تبلیغاتی بعمل آمده که مانع گردیده بحقیقت توجه بیشتری شود و دادگستری در انظار بصورتی جلوه داده شده که بآن صورت نیست؛ بدین توضیح که حقایقی هم در مقابل عیوب وجود دارد ولی تاکنون بیشتر نظر بر عیب بوده است.

من نمی‌خواهم بگویم عیب وجود ندارد اما در مورد دادگستری اگر فقط نظر بر عیب کنیم و واقعیت‌هایی را که در مقابل عیوب وجود دارد ذکر نکنیم درباره دادگستری قضاوت صحیح نکرده‌ایم.

کندی جریان دادرسی - جریان دادرسی مطابق مطلوب نیست و اظهار رضایت عمومی در این مورد وجود ندارد اما تا به دلایل و علل آن توجه نشود قضاوت صحیح نمیتوان کرد و باید این علل دانسته شود؛ وقتی دانسته شد طرز قضاوت ما درباره دادگستری تغییر خواهد کرد.

علل وجهات:

الف - تفاوتی که کار دادگستری با کارهای اداری دارد این است که قضاوت باید با مطالعه و دقت باشد و اینکه رسیدگی بدعاوی بیش از یک مرحله است برای این است که اگر اشتباهی در قضاوت شده باشد جبران گردد زیرا حکم دادگاه قطعی است و دارای اعتبار امر مختومه قضائی (Autoriter de La Chose Jugee) و همیشه لازم الاتباع است و قابل تغییر نیست برخلاف تصمیم اداری که هر زمان میتوان از آن عدول نمود.

رسیدگی به دعاوی هم تشریفاتى در بعضی مواقع دارد که اجتناب ناپذیر است از قبیل استماع شهادت شهود و رسیدگی بوسیله کارشناسی در امور فنی و امثال آن که از لوازم قضاوت عادلانه صحیح میباشد بنابراین اگر رسیدگی با حذف این تشریفات باشد قضاوت صحیح ممکن نخواهد بود و اگر نباشد یعنی این تشریفات انجام شود بدیهی است دادرسی مدتی وقت خواهد گرفت و باعث عدم رضایت مراجعه کننده به دادگستری میشود.

این مسأله کندی در دادرسی تنها مورد ابتلاء در کشور ما نیست. در همه کشورها وضع بهمین منوال است حتی در کشور ما اوقات دادرسی و خاتمه یافتن بسیاری از دعاوی نزدیک تر و کوتاه تر از خیلی از کشورهای دیگر است. در آن کشورها هم توجه دارند که کوشش کنند جریان دادرسی سریع تر شود اما به دادگستری خودشان تعرض نمیکنند و دادگستری را تحقیر نمیکنند و سعی دارند طرق عملی موفق بمنظور تسریع در رسیدگی دعاوی شوند.

ب- از زمانی که من پیاد دارم همیشه هدف وزارت دادگستری ما این بوده که جریان رسیدگی سریع باشد تا جلب رضایت مراجعه کنندگان شود و من معتقدم اگر بمردم جهات تأخیر دادرسی گفته شود و آنها نسبت بموضوع روشن باشند و در عین حال هم سعی شود این منظور در حدود امکان بتدریج عملی شود بهتر از این است که با مقصردانستن دادگستری بخواهیم مردم را قانع سازیم و باز مسؤولیت را بدوش دادگستری بگذاریم.

من منصفانه میتوانم بگویم که قضات و متصدیان دادرسی و دفاتر دادگاههای ما بیش از حد قوه عادی کار میکنند و معذالك هم کارها متراکم و عقب مانده است. چند سال قبل روزی دادستان کل استرالیا که به تهران آمده بود بمن اظهار کرد که مایل است از دادگاههای ما بطور ناشناس دیدن کند. در کاخ دادگستری دادگاه جنائی شعبه چهار تشکیل بود. بدادگاه رفتیم و جزء تماشاچی نشستیم. محاکمه تمام شد من خلاصه جریان را باو گفتم و او از سرعت عمل تعجب کرد. بعد او را

بر رئیس دادگاه و مستشاران معرفی کردم پس از شناسایی احترامات لازم را نسبت باو بعمل آوردند و از برنامه کارهای دادگاه سؤال کرد و از اینکه بعضی روزها چند محاکمه انجام میشود و از سرعت و میزان کار اظهار تعجب و تحسین نمود و گفت در استرالیا قضاات ما اینقدر کار نمیکنند.

بعد بدادگاه شعبه دوم شهرستان تهران رفتیم و بعد از معرفی و معلوم شدن اینکه هرروز از چهار تا شش محاکمه صورت میگیرد باز از حجم کار اظهار شگفتی نمود و تصدیق کرد قضاات ما بیش از اندازه و معمول کار میکنند.

ج- من این رویه را شخصاً تحسین نمیکنم و از آن انتقاد میکنم یعنی قاضی نباید تا این اندازه کار زیاد کند و غرق در پروندهها بشود زیرا دیگر فرصتی برای مطالعه نخواهد داشت بلکه قاضی باید فرصت برای مطالعه و خواندن کتب و مجلات مربوط بعلم حقوق و علوم مرتبط بآن داشته باشد و خود را هم زیاد خسته نکند تا هم آنکه از لحاظ معلومات زمان خودش عقب نیفتد هم از لحاظ جسمانی آماده کارکردن باشد اما این حقیقت را هم باید مردم در مورد قضاوت و کارمندان قضائی ما بدانند تا از دادگستری انتقاد منصفانه کنند.

د- اما علت اینکه در دادرسی کارها با سرعت مطلوب پیشرفت نمیکند این است که اولاً- مقداری از قوانین در عمل معلوم شده با شرائط و اوضاع و احوال ما مطابقت ندارد و باید اصلاح شود. بدیهی است اصلاح قوانین تا اندازه ای کمک در سرعت عمل در آینده خواهد نمود ولی باز علاج قطعی نخواهد بود و تقصیر با دادگستری مطلق و یا تشکیلات مربوط آن نیست و باین جهت تعرض بدادگستری صحیح نیست.

ه- اینکه با وجود اصلاح قوانین باز رسیدگی سریع مطلوب دعاوی در دادگستری محقق نخواهد شد تقصیر نه با دولت است نه با تشکیلات دادگستری نه با قاضی و گناه را بگردن اینها نباید گذارد. این وضع هم منحصر بمانیست در همه دنیا تقریباً وضع یا از این قرار یا از این هم بدتر است زیرا هرظرفی تامیزانی گنجایش چیزی را دارد، زاید بر گنجایش نمیتوان در آن ریخت یا گذارد.

در این بیست سال اخیر دنیا با اوضاع جدیدی روبرو شده یعنی غلبه مادیات بر معنویات و تنزل سطح اخلاقی و رواج فساد اخلاقی و از آن طرف تسهیلات و امکانات برای ارتکاب جرائم و بالنتیجه افزایش سالیانه میزان جرائم که در بعضی کشورها درمورد بعضی از جرائم هر ساله بیست درصد و بیشتر آمارها افزایش رانشان میدهند - وضع قوانین کیفری جدید، دعاوی ناشی از مسائل خانوادگی، جرائمی نو ظهور از قبیل فحشاء اعتیاد مواد مخدره، قاچاق، کلاهبرداری، کیف زنی، سرقت در مغازه ها، دزدی اتوموبیل و وسائل آن، تجاوزات ناموسی، ربودن اموال در خیابانها توأم با ضرب و جرح، تشکیلات اداره کننده بعضی از جرائم، ورود بخانهها در شب و امثال آن در شهرهای بزرگ خاصه آنقدر زیاد شده که دیدن آمارهای کشورهای دیگر حقیقتاً موجب وحشت میشود.

تمام این بارسنگین هم برعهده دادگستری است باهمان اعضاء و دستگاهها و وسائل موجود؛ پس تا وقتی این علل وجود دارد نه فقط در کشور ما بلکه در هیچ کشوری سرعت دادرسی امکان نخواهد داشت و تراکم دعاوی وجود خواهد داشت. هیچ امیدی هم نیست که بتوان باوجود افزودن برعهده قضات به سرعت مطلوب مورد نظر موفق شویم زیرا هرقدر دستگاه قضائی بدعاوی موجود خاتمه دهد چند برابر آن اضافه خواهد شد و هرگز تناسب معقولی بین کارهای موجود و کارهایی که بعداً افزوده میشود وجود نخواهد داشت و با افزودن برعهده قضات و کارمندان قضائی ممکن است يك پیشرفت نسبی حاصل شود اما علاج قطعی نیست و باید سعی در برطرف کردن علت نمود تا معلول از میان برود.

و - وزارت دادگستری با مشورت از هیأتی از حقوق دانان لایحه جدیدی در موضوع آیین دادرسی کیفری تهیه نموده که مختصری از رؤوس مسائل آن در روزنامهها خوانده شد. در این لایحه سعی شده که مقداری از تشریفات مربوط برسیدگی کاسته شود. بعضی از موارد پیشبینی شده در لایحه در جهت سرعت دادرسی مفید خواهد بود و نتیجه عمل و تجربه سالیان دراز است ولی به يك نکته اساسی باید توجه داشت که چه در دعاوی مدنی و چه کیفری اگر سرعت مطلوب است نباید کیفیت فدای آن شود و من در طول سالها رابطه با دادگستری باین نکته متوجه شدم که از نظر تشکیلات اداری وزارت دادگستری کمیت کار همیشه مورد تشویق بوده است و یکی از علل اینکه پیشرفت علمی متناسب با زمان در حد مطلوب و لازم نبوده همین توجه بحجم کار انجام شده است.

من باب مثال میگویم که محدودیت دیوان عالی کشور چه از نظر دعاوی مدنی و چه کیفری صحیح نیست در زمانی که فکر استفاده از دادگستری بدون هزینه در محافل حقوقی دنیا رواج دارد صحیح نخواهد بود که ما اشخاصی را که دعاوی کمتر از دویست هزار ریال دارند از توسل بآخرین مرجع دستگاه عدالت محروم سازیم یعنی برای احقاق حق داشتن ثروت را مأخذ قرار دهیم، یا آنکه دسترسی بادیوان عالی کشور را محدود بآن سازیم که هیأتی قبلاً اختیار تشخیص لزوم رجوع افراد را بادیوان عالی کشور داشته باشند چه اشخاص ممکن است محکومیت نسبت بموضوعاتی داشته باشند که از نظر قانون آن موضوع جرم نباشد و تشخیص اینکه آن موضوع با جرم معین شده در قانون مجازات تطبیق میکنند بادیوان عالی کشور است که باید باکثرت آراء مستشاران دیوان مزبور معلوم گردد.

مواردی هست که احکام دادگاهها در دیوان کشور نقض و سپس دادگاه استان یا جنائی بهمین عقیده سابق خود باقی است و در اینموارد موضوع در هیأت عمومی دیوان عالی کشور طرح و رویه قضائی بوجود میآید که درموارد مشابه هم لازمالاتباع است و حکم قانون را دارد پس تشخیص يك هیأت ولو يك عضو یا دو عضو آن از مستشاران دیوان عالی کشور باشد کافی نخواهد بود و افراد از استفاده از دیوان عالی کشور و رویه قضائی محروم خواهند شد.

میتوان برای کاستن از کار دیوان عالی کشور مثلاً مقرر داشت که در مورد پرونده‌ها قبل از طرح در شعبه دیوان عالی کشور هیأتی پرونده را از لحاظ نواقص رسیدگی و در صورتی که نقص از لحاظ رسیدگی وجود داشت آنرا برای تکمیل بدادگاه صادرکننده حکم اعاده دهند تا موقع رسیدگی شعبه دیوان عالی کشور نقصی وجود نداشته باشد و گزارش پرونده را چه قبل از تکمیل و رفع نقص و یا بعد از آن، آن هیأت بشعبه مربوط دیوان عالی کشور تقدیم دارد.

من از زمان جنگ اخیر بین الملل به بعد شاهد بوده‌ام که پرونده‌هایی باغرض و مقصد سیاسی علیه اشخاص تنظیم شد ولی دیوان عالی کشور تحت تأثیر هیچ عاملی قرار نگرفت که ذکر موارد آن مقاله را زیاد مفصل خواهد کرد پس محدود کردن دیوان عالی کشور بر ضرر امنیت فردی است خواه از نظر کیفری و خواه مدنی.

مثال دیگر: دفاع در دادگاه کیفری حق مسلم متهم است و حکم محکومیت کیفری دارای آثار در زندگی اجتماعی اشخاص است. بنابراین اختیار بقاضی دادگاه جنحه استان در مرحله پژوهشی که بدون احضار متهم و شنیدن دفاع او یا وکیلش و استفاده از حق آخرین دفاع حکم صادر نماید حق دفاع از متهم را سلب میکند و بخاطر سرعت اقتضا ندارد بحق دفاع لطمه وارد آید بسا ممکن است مستشاران استان بخاطر سرعت که مورد تشویق است رسیدگی در جلسه را لازم ندانند و حال آنکه مکرر مشاهده شده حضور متهم در دادگاه یا توضیحات در دادگاه مؤثر در دفاع از حق متهم است.

این اقداماتی که اکنون وزارت دادگستری با تهیه لوایح قانونی خاصه با مشورت حقوقدانان تهیه میکند بموقع و همان تکامل متناسب با زمان است. برای تکامل دادگستری که ضرورتی از نظر زمان است اشاره‌ای بانگلستان میکنم در کشور مزبور يك کمیته‌ای برای تجدیدنظر در قوانین کیفری تشکیل شده که اکنون هشت سال است مشغول مطالعه و تحقیق است و این کمیته اصلاحاتی را پیشنهاد نموده که قسمتی از آن از اینقرار است:

۱- پلیس لزومی ندارد که به متهمین تذکر بدهد که حق دارند در مقابل پرسش پلیس سکوت اختیار کنند بالعکس پلیس باید کتباً بمتهم اعلام کند و تذکر دهد که راجع بهر مطلبی که در دفاع از خود میخواهد بآن اتکاء کند هر تذکری دارد بدهد والا بر ضررش خواهد بود.

۲- برای متهم دشوار خواهد بود که اقراری را که نموده در اثر تهدید معرفی کند و باید ثابت کند تهدید بآن درجه‌ای بوده که در اوضاع و احوال قضیه اعتراف را مخدوش خواهد نمود.

۳- متهمین دیگر نمیتوانند از ادای شهادت با سوگند خودداری کنند.

۴- دادستان میتواند بانوان را برای ادای شهادت در مورد شوهران آنها در دادگاه بخواهد و در بعضی موارد دادستان بسابقه محکومیت متهم میتواند اشاره کند. مقصود این است در کشورها نواقص قانون احساس میشود و هیأت‌های حقوق دانان مشغول

مطالعه و اصلاح قوانین در جهت تکامل هستند و این تکامل تدریجاً باید صورت گیرد در کشور ما هم خوشبختانه موضوع تکامل قوانین مورد توجه و اقدام است ولی در جهت تکامل باید رعایت اعتدال را نمود که هدف سرعت مطلوب لطمه باصل عدالت وارد نیاورد.

اعمال نفوذ - در اطراف دادگستری در جهت منفی تبلیغات زیاد بعمل آمده تا آنکه عدم رضایت از دادگستری عمومیت یافته؛ من هم نمیخواهم بگویم که چنین چیزی نیست اما این عدم رضایت مقدار زیادی مربوط بطول جریان دادرسی است در همه کشورها هم وضع مشابهی وجود دارد و از کندی کار دادگستری‌ها در همه جا عدم رضایت مشهود است که بدلائل آن قبلاً اشاره شد. از طرفی طبیعت کار دادگستری بنحوی است که يك طرف همیشه ناراضی میشود.

این تبلیغات سبب شده که نسبت بمطلق دستگاه قضائی کشور در مقالات عده‌ای از نویسندگان تندروی میشود و بواقعیات کمتر توجه دارند حتی يك نویسنده‌ای از خارج کشور مقاله‌ای فرستاده و در آن دادگستری را بچرخ پنجم درشکه تشبیه کرده بود.

ممکن است از يك یا چند قاضی احکامی خلاف حق صادر شود و یا پرونده‌های جریانی نا مطلوب داشته باشد و عدم رضایت اشخاص هم بحق باشد چنانچه از این قبیل احکام و پرونده‌ها صادر و تشکیل شده و میشود ولی قضاوت درباره دادگستری يك کشوری را براین اساس نمیکنند زیرا در هر دستگاهی اشخاصی هستند که یا فاقد معلومات لازم هستند یا از وظیفه منحرف میشوند یا جاه‌طلبی‌هایی دارند که میخواهند رسیدن بمطلوب خود را در عین انجام خدمت تأمین کنند ولی حساب این قبیل عده قلیل را که در هر اجتماعی و طبقه‌ای از طبقات مختلف مردم در هر کشوری پیدا میشوند نباید بحساب دستگاه قضائی کشور گذاشت هرچند وجود آنها باعث آلودگی دستگاه میشود ولی دستگاه قضائی کشور در مراحل مختلف خود جلوی اعمال متخلفین را میگیرد.

سال گذشته یکی از مستشاران معروف دیوان عالی امریکا در مطبوعات آن کشور متهم شد که از يك شرکتی که گرفتاری پیدا کرده بوده و در دیوان عالی هم قضیه‌اش مطرح نبود مبلغی بعنوان حق المشاوره گرفته و موضوع لابد غیرعادی و اخلاقاً ناپسند بود که در مطبوعات منعکس شد. الآن دادستان کل امریکا متهم بدخالت در انتخابات و جاسوسی و گذاشتن ضبط صوت در داخل حزب دموکرات است. پس این قبیل وقایع در همه جا هست اما قضاوت درباره دادگستری امریکا غیر از قضاوت درباره عده‌ای از اعضای آن است که ممکن است خطاکار باشند چه دادگستری امریکا همان است که يك قاضی با استفاده از قدرت استقلال قضائی دستگاه حکومت را متوجه باحترام رعایت حقوق افراد و قانون نموده و توجه دنیا را بعظمت و لزوم استقلال قوه قضائیه برای حفظ حقوق مردم جلب نموده است.

طرق مختلف اعمال نفوذ: برای اینکه معلوم باشد از چه طرقی ممکن است

اعمال نفوذ در کارهای مربوط به دادگستری فرض شود من از شماره شنبه ۲۲ آبان ۱۳۵۰ روزنامه اطلاعات از بیان وزیر دادگستری در دادسرای تهران نقل میکنم:

«ما با پارتی بازی و اعمال نفوذ و اعمال قدرت و تشبثات و رفیق بازی و سهل انگاری بشدت مبارزه خواهیم کرد و با تشکیل يك بازرسی قوی و بیدار مرتباً سازمانها و افرادی را که اعمال و رفتارشان درخور کنترل بیشتری است کنترل خواهیم کرد تا همه در صراط مستقیم با صداقت و فعالیت و درك روح زمان بانجام وظایف سنگین و پر مسئولیت خود بپردازند.

ما دست افراد مزاحم و کسانی را که با دخالت های نابجای خود باعث بدنامی دستگاه و کارکنان دادگستری و احياناً انحراف آنها و بازداشتن آنها از احقاق حق میشوند از دامان دادگستری کوتاه خواهیم کرد».

این بیان که بانهایت صداقت از شخصی صادر شده که خود سالها مشاغل حساسی را در دستگاه قضا شاغل بوده نشان دهنده این واقعیت است که دادگستری هم مثل همه دستگاههای دیگر مورد حمله اشخاصی است که مقاصد و اغراض خود را بوسائل نامشروع در دستگاه دادگستری میخواهند پیش ببرند. من میخواهم این مسائل را از نظر دادگستری کشور خودمان باختصار تشریح کنم:

۱- اعمال نفوذ از طریق ثروت: مکرر شنیده و خواننده ام و زیاد گفته میشود که در دادگستری اشخاصی که ثروت دارند همیشه موفق اند. اما حقیقت این نیست اشخاصی که ثروت دارند یا ندارند از نظر قانون و عدالت در دعاوی مساوی اند البته اشخاص ثروتمند سعی میکنند که با استفاده از ثروت در دعاوی خود موفق شوند ولی اگر در يك مرحله بتوانند حقی را ضایع کنند بالاخره موفق نمیشوند و من در این مدت طولانی وکالت دادگستری ندیده ام که در محاکم پول و ثروت بتواند در تضییع حق اشخاص مؤثر باشد و اگر در مراحل پائین ندرتاً در بعضی مواقع تخلفی شده باشد در مراحل بالا و خاصه دیوان عالی کشور حق اشخاص حفظ شده است و باوجود نواقص و عیوب دادگستری ما این مسأله که ثروت و پول تأثیری در دستگاه قضائی ما ندارد موجب سربلندی کشور ماست.

حتی متأسفانه عکس آن مکرر مشاهده شده و داشتن ثروت در محاکم نقطه ضعفی است که در مقابل اشخاص ثروتمند از آن استفاده میشود و بعضی اوقات هم بعضی از افراد دستگاه قضائی محکوم کردن ثروتمند را در مقابل شخص ندار اعتباری برای خود فرض میکنند که این فکر هم غلط است.

در يك پرونده جنائی خود شاهد بودم که يك بازپرس شخصی را بعنوان اینکه ثروتمند است و با قدرت تحت تعقیب قرار داده و اینکه شخص بانفوذ و ثروتمند از اجتماع تحت تعقیب قرار گرفته مفاخره مینمود و او را چون ثروتمند میدانست معتقد بود ثروتمند بودن او دلیل تجری او بر ارتکاب جرم است علیهذا او را مجرم میدانست و در چندین مورد در قرار خود باین عنوان بمتهم حمله نموده بود. این جنبه افراطی موضوع است که ثابت میکند در دستگاه قضائی ما ثروتمند بودن چه در

دعاوی مدنی و چه کیفری نقطه ضعفی است. خوشبختانه اغلب دادگاهها و دیوان عالی کشور تحت تأثیر این عامل تبلیغاتی قرار نمیگیرند چنانچه در همان پرونده جنائی چیزی که مورد نظر واقع نشد همان موضوع ثروتمند بودن متهم بود و متهم باتفاق آراء تبرئه شد.

۲- از طریق رفیق بازی.

مسأله رفیق‌بازی و تشبثات در دستگاههای قضائی مورد انکار نمیتواند باشد که شخص وزیر دادگستری هم بآن اشاره کرده است - همانطور که در ادارات برای اینکه کارها زودتر به نتیجه برسد و ایرادات بیخود مانع جریان کار نباشد اشخاص در صدد برمیآیند متوسل به این و آن شوند. دستگاه قضائی ماهم یکی از دستگاههای کشوری است و مراجعین هم از همین مردم‌اند. پس قاعده باید منتظر بود که اشخاصی به تشبثات گوناگون متوسل شوند و از آن جمله رفیق‌بازی و خواه‌ناخواه اعضای دستگاه قضائی هم در معرض این رفیق‌بازی بعضی اوقات واقع میشوند.

از قضا عده‌ای هم هستند که بادهای رفاقت از مردم کلاهبرداری برضرب حیثیت قضات میکنند و وزیر دادگستری بسیار صداقت نشان داد که این نکته را گفت و مورد توجه قرار داد. البته جلوی اشخاص را برای تشبثات نمیتوان گرفت زیرا دیده نمیشوند. بعضی اوقات هم از رفیق‌بازی سوء استفاده شده ولی رفیق‌بازی اگر در یک مرحله موجب موفقیت شده باشد در مراحل دیگر در محاکم بالاتر و دیوان عالی کشور بالاخره خنثی میشود.

۳- اعمال نفوذ و قدرت: اعمال نفوذ بوسیله اشخاص در دستگاه قضائی بنحویکه بیان شد تأثیری ندارد و من بیاد ندارم که نفوذ شخصی در دستگاه قضائی مؤثر بوده باشد چه طریقی برای اعمال نفوذ شخصی در دادگاهها و دیوان عالی کشور نیست.

ممکن است تصور شود مثلاً از طرف نمایندگان مجلسین یا شاغلین مناصب و درجات مهم بتوانند در دادگاهها اعمال نفوذ کنند اگر آنها اعمال نفوذی بخواهند کنند از طریق روابط خصوصی امکان‌پذیر است که مثل موارد دیگر که بحث شد تأثیری در دستگاه قضائی ندارد و بعکس ممکن است در دستگاه قضائی ایجاد عکس-العمل کند و من خود مواردی شاهد بوده‌ام که قبل از محرومیت نمایندگان مجلسین از وکالت دادگستری در دوره نمایندگی مجلس یا سنا نماینده مجلس یا سناتور بودن نقطه ضعفی برای صاحب دعوی بود و بعضی از موارد از این نقطه ضعف طرف آنها سوء استفاده میکرد و وکیل عدلیه اگر سناتور یا نماینده مجلس نمیبود ممکن بود دعوی را برفع موکل خود خاتمه دهد. پس دستگاه قضائی کشور از این طریق هم قابل نفوذ نیست.

دعاوی مربوط بدستگاهها و مؤسسات دولتی: دعاوی راجع بدستگاهها و مؤسسات دولتی موضوعی است که قابل تذکر است از این قبیل دعاوی زیاد در دستگاه قضائی مطرح میشود. سابقاً برای این قبیل دعاوی شعب مخصوصی وجود داشت که

صحیح نبود اما راجع باین دعاوی هم اعمال نفوذ یا قدرت علنی در دستگاه قضائی بعلت استقلال قوه قضائیه امکان ندارد پس از این نوع دعاوی بمحکومیت و بسا بحاکمیت منتهی شده و اکنون هم میشود...

بعضی اوقات مؤسسات و ادارات دولتی تصور میکنند که در دعوی ذیحق هستند و یا چون مربوط بمنافع عمومی است توقع دارند که بنفع آنها خاتمه یابد. در دستگاه قضائی هم اشخاصی پیدا میشوند که چنین طرز تفکری داشته باشند و منفعت عمومی را بر نفع فردی ترجیح دهند و صدور حکم بنفع مؤسسات عمومی را خدمت باجتماع فرض کنند و تحت تأثیر عقاید اجتماعی خود قرار گیرند.

يك نقطه ضعف سابقاً در اینموضوع این بود که قضائی که بنفع مؤسسات عمومی رأی صادر میکردند با آنکه آراء آنها ممکن بود از روی حقانیت باشد و آن مؤسسات واقماً ذیحق بوده‌اند مورد تشویق وزارت دادگستری وقت واقع میشدند در صورتیکه قضائی که حکم بنفع صادر نمیکردند تقصیری نداشتند و آنگهی حکم بنفع مؤسسات عمومی صادر کردن انجام وظیفه عادی از نظر قضاوت است و تشویق استثنائی بيمورد است این تشویق سبب خواهد شد که دیگران هم تصور کنند حکم بنفع مؤسسات دولتی یا عمومی صادر کردن منتهی به همان تشویقات خواهد شد و طبیعت بشر هم خواهان ترقی و پیشرفت است چه در اینجا چه در امریکا و چه در جای دیگر و بنابراین ممکن است در قضاوت تأثیر داشته باشد یا اینکه سبب دلسردی سایر قضات در خدمت خواهد شد.

خوشبختانه دیوان عالی کشور تحت تأثیر این عوامل قرار نمیگیرد و مکرر من و همکارانم شاهد بوده‌ایم که دیوان عالی کشور که در رأس قوه قضائیه است تفاوتی بین پرونده‌های مربوط بمؤسسات دولتی و دیگران نگذارده و تحت تأثیر عوامل نفوذ قرار نگرفته و نمیگیرد و شئون قضائی و قوانین کشور را حفظ میکند. بنابراین بطور مطلق دستگاه قضائی را تحقیر کردن بر خلاف واقع و حتی برخلاف مصلحت است.

چون در بعضی از مقالاتی که راجع بدستگاه قضائی کشور این اواخر نوشته شده تعرضات ناروایی بمطلق دستگاه قضائی کشور شده من این مقاله را نوشتم. البته نواقص و عیوبی در دستگاه قضائی وجود دارد ولی اصلاح تکاملی و تدریجی آن با دیوان عالی کشور و دادگاه عالی انتظامی قضات است و این دو مقام‌اند که پیشرفتهای معنوی دستگاه قضائی را میتوانند تأمین و جلب رضایت مردم را نسبت بدستگاه قضائی کشور نمایند.